

خلاصه مقالات

مبانی اندیشه سیاسی در آیات مکی قرآن

غالب محققانی که پیرامون اندیشه سیاسی اسلام به تحقیق می پردازند سال‌های پیش از هجرت پیامبر به مدینه راکمتر مورد بررسی و مطالعه قرار می دهند.

دکتر تیجانی در شیوه ابتکاری خود با بررسی آیات مکی قرآن، ریشه‌ها و شواهد بسیاری پیرامون حکومت اسلامی (الهی) به دست می آورد.

بر اساس آیات مکی در مباحث او دو محور اساسی وجود دارد: اول آن‌که انسان‌ها همه آفریده خدایند، در برابر تکلیف الهی یکسانند و همه حق بهره‌مندی از زمین و وحی را دارند و انحصار زمین یا وحی غیر قابل قبول است؛ دوم آن‌که همه انسان‌ها مأموریت دارند در برابر حکومت‌های غیر الهی ایستادگی کنند. این مأموریت توسط حاملان «امر» (پیامبران) به انسان ابلاغ می‌گردد.

وی ضمن اثبات حاکمیت الهی نتیجه می‌گیرد که با پایان رسالت، مردم جانشین رسول خواهند بود و با الهام از قرآن خلافت را ادامه می‌دهند.

ارکان علم مدنی در نظریه سیاسی فارابی

در نظریه سیاسی حکیم ابونصر فارابی، پدیده مدنی یا سیاسی فراگیرترین پدیده کیان و حیات فردی، جمعی یا گروهی و اجتماعی انسان‌هاست. کار ویژه علم سیاست به معنای اعم یا علم مدنی، شناسایی اجزای ساختار پدیده مدنی، قوانین کلی حاکم بر آن اجزا، روابط و کنش‌ها و واکنش‌های آنهاست. پدیده‌های مدنی شامل انسان مدنی، جماعت مدنی یا گروه‌های اجتماعی - سیاسی، اجتماعی مدنی (شهری - ملی) و مدینه (کشور) هستند. انسان مدنی هسته و عنصر اصلی سایر پدیده‌های مدنی بوده و جماعت‌های مدنی یا اجتماعی‌های ناقص، اجزای اجتماعی مدنی و مدینه محسوب می‌شوند. بنابراین بیش‌تر مطالعات و تحقیقات علم مدنی به ویژه از حیث گستره عمدتاً در زمینه اجتماع مدنی و مدینه است. از طرفی اجتماع مدنی یا مدینه در برد کوچک یا مدنی، میانی یا امت و بزرگ یا جهانی هم موضوعیت داشته و هم قابل پژوهش علمی است؛ اما اجتماع مدنی و مدینه هم در حد مدنی - ملی و هم در حد میانی - امت به سبب اساس وجودی که یا ملیت یا مکتب است دارای هویت و شخصیت یگانه‌ای هستند. بنابراین می‌توانند پسان ارکان اصلی علم سیاست یا علم مدنی مورد توجه قرار گیرند، حال آن‌که پدیده سیاسی و سیاست در عرصه جهانی بیش‌تر معطوف به مطالعه روابط بین ملت - امت - دولت‌هاست. از طرف دیگر علم سیاست به معنای اعم، شامل شناخت پدیده‌های مدنی، اجتماع مدنی، مدینه سیاست به معنای ساماندهی و راهبردی است. حال این‌که گاه صرفاً مورد اخیر یعنی «سیاست» موضوع علم سیاست انگاشته می‌شود. بنابراین در نظریه سیاسی فارابی موضوعات اصلی علم مدنی یا علم سیاست به معنای اعم، عبارتند از: اجتماع مدنی، مدینه، امت و سیاست مدنی. از اینها می‌توان به ارکان علم سیاست (یا مدنی) تعبیر کرد، هر چند به نوعی انسان مدنی جماعت‌های مدنی از یک سو و از سوی دیگر، جهان، سیاست جهانی و نظام سیاسی جهانی را نیز باید در راستای ارکان پدیده - علم مدنی مورد توجه و بررسی قرار داد. در عین حال نظام مدنی به ویژه در سطح مدنی - ملی دارای اجزای متنوعی همچون دولت، حکومت، حاکمیت و نیز عناصر گوناگونی مانند اقتصاد سیاسی، سیاست اقتصادی (و حتی نظام اقتصادی)، فرهنگ سیاسی، سیاست فرهنگی (حتی نظام فرهنگی) است که هر کدام از اینها، موضوع مطالعه علمی سیاسی بود. و همه اینها، نظام علمی سیاسی یا نظام واحد علم سیاست را تشکیل می‌دهند. این علوم را تحت عنوان علوم مدنی اصلی و ضروری اعم از عمومی و

مطلق، تطبیقی و نسبی می‌توان تقسیم، طبقه بندی و تنظیم کرد.

علم سیاست به معنای علم واقعیت‌های سیاسی در نظریه علمی سیاسی فارابی، مبتنی بر علم حقیقت و ماهیت یا فلسفه مدنی و حتی عمومی و سرانجام منطق می‌باشد. به اعتبار دیگر خاستگاه علم سیاست، فلسفه سیاسی، فلسفه عمومی و منطق بسان بنیادهای شناختی - روشی خویش است.

فرهنگ‌سازی در نهج البلاغه

در تعریف فرهنگ، تعابیر و تعاریف فراوانی ارائه شده است؛ اما از مجموع تعاریف می‌توان این‌گونه استنباط و جمع بندی کرد که فرهنگ، مجموعه دانش‌ها، بینش‌ها نگرش‌ها، منش‌ها و اندیشه‌های یک ملت می‌باشد که هویت و حیات هر جمعیتی مبتنی بر آن است. فرهنگ سیاسی نیز مجموعه ارزش‌ها، باورها و ایستارهای یک ملت نسبت به نظام سیاسی خودشان است.

اما آنچه که در این پژوهش کنکاش قرار می‌گیرد، توجه به شاخص‌ها و محورهای فرهنگ مذهبی اسلام در برابر فرهنگ جاهلی قبل از اسلام و نیز نقش بنیادین آن در شکل‌گیری فرهنگ سیاسی نوین می‌باشد. درون‌مایه‌های اصلی فرهنگ سیاسی اسلام مبتنی بر خدامحوری، عدالت‌خواهی، شایسته سالاری و حضور فعال و مؤثر مردم در صحنه‌های مختلف تصمیم‌گیری سیاسی - اجتماعی نظام سیاسی اسلامی است. کوشش پژوهش حاضر این است که موارد فوق را با کمک بیانات حضرت علی (ع) در نهج البلاغه تبیین و تحلیل نماید.

حقوق سیاسی مردم در اندیشه محقق نائینی

این نوشته، درآمدی است بر تبیین دست‌مایه‌های حقوق سیاسی مردم در اندیشه سیاسی محقق نائینی. در این پژوهش، تکیه اساسی به کتاب «تنبيه الامه و تنزيه المله» با شرح و توضیحات آیه‌الله سید محمود طالقانی و کتاب «منية الطالب» به قلم شیخ موسی نجفی خوانساری و نیز کتاب «المکاسب والبیع» به تقریر شیخ محمد تقی آملی می‌باشد.

اندیشه حاکم بر نائینی، از یک سو مبارزه با استبداد و از سوی دیگر، بازگشت به هویت اسلامی است. از تضارب این دو عنصر، اندیشه سیاسی وی نسبت به حقوق سیاسی مردم تکوین و در قالب «حکومت مشروطه» ظهور می‌یابد.

مهم‌ترین تلاش نائینی سازگار نمودن تکلیف الهی و حق مردمی است. وی با توجه به نظریه ولایت فقها در امور حسبیه و اصولی همچون شورا، امر به معروف، مقدمه واجب و قاعده اقل و اکثر، نهایت کوشش خود را جهت تبیین حقوق سیاسی مردم می‌نماید. پژوهش حاضر تلاشی است جهت توضیح و تبیین مبادی و اصول حقوق سیاسی مردم در آثار مرحوم محقق نائینی.

وفاق اجتماعی و توسعه در جمهوری اسلامی ایران

وفاق اجتماعی و همبستگی ملی یکی از ضروری‌ترین نیازهای جامعه امروز ایران و پیش نیاز توسعه در ابعاد مختلف است، که در صورت تحقق آن هماهنگی و همکاری میان اعضا و اقشار مختلف جامعه در راستای منافع ملی ممکن می‌گردد و دولت ملی با کارایی و اقتدار لازم به اجرا و پیشبرد برنامه‌های توسعه می‌پردازد. اما شکل‌گیری وحدت و همبستگی ملی نیازمند دمیده شدن روح واحدی برکل جامعه و احساس هویت مردم و اعضای آن جامعه و کشور است که در دولت‌های ملی و مدرن در محدوده‌های جغرافیایی و سرزمینی مشخص به صورت هویت ملی تجلی می‌یابد. اما برای شکل دادن به هویت و همبستگی ملی در جمهوری اسلامی ایران لازم است یک فرهنگ سیاسی همگون و فلسفه سیاسی روشنی در سطح نخبگان و توده‌ها جریان داشته باشد. در جمهوری اسلامی ایران تشکیل ملت و دولت عمیقاً با اسلام و تشیع پیوند خورده و فرهنگ سیاسی ایرانیان را متأثر ساخته است. اما گرایش‌های فکری سنت‌گرا، بنیادگرا و متجدد نتوانسته و نمی‌توانند هویت ملی ما را شکل داده و سپس وفاق اجتماعی و توسعه را برقرار کنند و به جای هویت و همبستگی، بحران هویت و تفرقه و پاره پاره شدن جامعه و در نتیجه تضعیف دولت و بحران مشروعیت و مشارکت را به وجود می‌آورند، ولی گرایش نوگرا و اصیل دینی در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند صلح و آشتی، گفت‌وگو و مذاکره، تحمل و مدارا و وحدت و همکاری را با اجماع نخبگان در سراسر جامعه برقرار سازند و زمینه توسعه همه جانبه و متوازن را فراهم کنند.

زوال دولت در فلسفه سیاسی فارابی

در فلسفه سیاسی فارابی، دولت همانند سایر پدیده‌ها، در معرض زوال و فروپاشی بوده و حیات و ممانتشان تابع علل، اسباب و شرایط خاصی است.

زوال دولت مطلوب از نظر معلم‌ثانی به دو گونه است: گونه نخست آن است که دولت فاضله به غیرفاضله مبدل گردد و مصداق یکی از دولت‌های جاهله، فاسقه، ضاله و مبدله قرار گیرد. و گونه دیگر، عبارت از آن است که زوال مطلق دولت را در پی داشته باشد.

در فلسفه فارابی، عوامل زوال به دو بخش بیرونی و درونی تقسیم شده است. در این مجال اندک، تنها به چهار عامل مهم درونی زوال دولت اشاره شده است.

۱- ناکارآمدی دولت: هرگاه دولت، فلسفه وجودی خود را از دست بدهد و قادر به تأمین اهداف و کارویژه‌های خویش نباشد، رو به زوال خواهد گذشت؛

۲- استحاله ارزش‌ها: هرگاه در مدینه فاضله، آرا و افعال فاضله از بین برود و دولت نتواند آنها را حفظ کند، در معرض فروپاشی قرار می‌گیرد؛

۳- بحران رهبری: اگر در سطوح پنج‌گانه رهبری (رئیس اول - رئیس مماثل - رئیس سنت - رؤسای سنت و رؤسای افاضل) خلأ قدرت به وجود آید، دولت با فروپاشی مواجه می‌شود؛

۴- فساد در دین: پس از حاکمیت رئیس اول، احتمال انحراف و کج فهمی در دین وجود دارد و چنانچه دین فاسد بشود، دولت فاضله که مبتنی بر آن است نیز به زوال می‌رسد.

تاریخ اقتصاد سیاسی ایران

مقاله حاضر، فصل دوم از کتاب «IRAN (From Royal Dictatorship to Theocracy)» ایران از

دیکتاتوری سلطنتی تا دین سالاری»، اثر محمد امجد MOHAMMED AMJAD است که در سال

۱۹۸۹، از سوی انتشارات گرین وود GREENWOOD در امریکا منتشر شده است. نویسنده در کتاب

فوق، ضمن ارائه یک چارچوب نظری و ریشه‌یابی تاریخی انقلاب اسلامی از دوره مشروطه به بعد،

جگونگی و چرایی وقوع انقلاب و رخدادهای آن تا سال‌های ۱۳۶۸ را پی می‌گیرد.

هدف مقاله حاضر، بررسی موانع توسعه سرمایه داری و شکل‌گیری بورژوازی قدرتمند در ایران است. نویسنده، فهم این موضوع را درگرو شناخت صورت‌بندی اجتماعی ما قبل سرمایه داری در ایران می‌داند. از این رو، به بیان و نقد دیدگاه‌های گوناگونی که در این زمینه از سوی محققین داخلی و خارجی ارائه شده، می‌پردازد؛ از جمله این که عده‌ای معتقدند که ایران، نظامی فئودالی داشته و اقتصاد سیاسی‌اش باید در پرتو فئودالیسم و قوانین عمومی مربوط به توسعه، از فئودالیسم به سرمایه داری، مورد مطالعه قرارگیرد. این گروه، خود به دو دسته مارکسیست و غیر مارکسیست تقسیم می‌شوند و هر دسته، دلایلی برای نظرات خود ارائه می‌کنند. اما نظریه مخالف ضمن رد این دیدگاه، شیوه تولید آسیایی را تنها راه تبیین اصول تاریخ و اقتصاد سیاسی ایران می‌داند. نظر مؤلف این است که ایران، نظامی فئودالی نداشت؛ همچنان که ساده‌انگاری است اگر شیوه تولید ما قبل سرمایه داری در ایران را آسیایی بنامیم. نتیجه بحث این است که جامعه ایرانی به رغم وجود عناصر قوی شیوه تولید آسیایی، فاقد این شیوه تولید بود. بنابراین، تاریخ اقتصاد سیاسی ایران را به طور ساده تحت عنوان ما قبل سرمایه داری و سرمایه داری تقسیم می‌کند و پس از ذکر خصوصیات اصلی اقتصاد سیاسی ایران، در یک نگاه دقیق‌تر آن را به سه دوره مجزا تقسیم می‌کند:

۱- ما قبل سرمایه داری (که تا میانه سده نوزدهم دوام آورد)؛ ۲- انتقال به سرمایه داری از دهه ۱۸۵۰ تا ۱۹۶۳ (۱۲۳۰ تا ۱۳۴۱ ش)؛ ۳- و پس از آن، دوره سرمایه داری.

کشاورزی بودن جامعه، بورژوازی ضعیف، تسلط دولت بر زمین داران و مداخله دولت در فعالیت‌های تجاری، فقدان اشرافیت موروثی، و ماهیت زمین داری بوروکراتیک، از جمله خصایص اصلی اقتصاد سیاسی ما قبل سرمایه داری در ایران است. در ادامه مقاله، نویسنده ضمن بررسی انواع مالکیت اراضی، فعالیت‌های بازرگانی و روابط بازاریان و دولت در تاریخ معاصر ایران، به موانع اصلی رشد سرمایه داری نیرومند در ایران اشاره می‌کند و از جمله، کنترل اقتصاد توسط دولت و در نتیجه، وابستگی بورژوازی به دولت و نفوذ سرمایه خارجی را به مثابه مهم‌ترین این موانع به تفصیل شرح می‌دهد و در نهایت، سیاست‌های اقتصادی محمد رضا پهلوی را به عنوان عاملی مهم در سقوط حکومت پادشاهی و پیروزی انقلاب اسلامی مطرح می‌نماید.

رویکرد گفت و گوی تمدن‌ها

تلاشی آرمان‌گرایانه برای وفاق بین‌المللی

موج اول انقلاب اسلامی ایران، جدال «هویت» و «ایدئولوژیک» با نظام مسلط در روابط بین‌الملل را بنیان نهاد. اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به تشدید این روند انجامید و در دوران جنگ تحمیلی نیز تعارضات ایران و محیط منطقه‌ای آن به گونه‌ی فزاینده‌ای تشدید گردید.

پایان جنگ تحمیلی منجر به تغییرات مشهودی در سیاست خارجی ایران گردید. این امر با کنش متقابل بازیگران منطقه‌ای رو به رو شد. «عصر تنش‌زدایی» با رویکرد واقع‌گرایی، از سال ۱۳۶۸ آغاز شد و در سال‌های بعد از جنگ خلیج فارس نیز تداوم یافت. این مسأله می‌توانست زمینه‌ی محیطی و بین‌المللی را برای افزایش قدرت ملی ایران فراهم آورد.

از سال ۱۳۷۶ به بعد، سیاست «تنش‌زدایی» به «سیاست اعتماد سازی» ارتقا یافت. این نگرش که در نقطه‌ی مقابل غرب ستیزی و «فرا بین‌المللی‌گرایی» شکل گرفته بود، منجر به کاهش رویارویی‌های بین‌تمدنی نیز گردید. غربی‌ها در چند مرحله اعلام داشتند که برای اسلام و مسلمانان جایگاه ویژه‌ای قایل می‌باشند؛ اما این روند نیز نتوانست نتیجه‌ی مؤثری را در رویارویی‌های بین‌المللی و روند سیاست خارجی ایران ایجاد نماید. علت این امر را باید در رویکرد آرمان‌گرایانه‌ی سیاست خارجی و گفت‌وگوی تمدن‌ها مورد جست‌وجو قرار داد. آرمان‌گرایی اگر چه جدال‌ها را به تأخیر می‌اندازد؛ اما در نهایت، زمینه‌ی تداوم رویارویی‌های فرهنگی و سیاست خارجی را فراهم می‌آورد.